

حتی در دوران رهبری نیز تفسیر سوره‌های حمد و بقره در بیش از ۳۰ جلسه توسط ایشان ادامه یافت که برخی از جلسات، به پاسخ به سؤالات حاضرین نیز اختصاص داده شده است. در تمام دوران سی ساله‌ی رهبری ایشان نیز، همواره یکی از کارهای منظم ایشان، دیدار با قاریان و حضور در جلسات انس با قرآن بوده است. از این مهم‌تر، این نکته است که با دقت بر مواضع و جهت‌گیری‌های دینی و حکومتی ایشان می‌توان دریافت که همواره این مواضع، مبتنی و مستند بر معارف قرآنی و آموزه‌های آن بوده است.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۸۰ / دوشنبه ۲۰ خرداد ماه ۱۳۹۸

مردم یمن در آستانه پیروزی

جمهوری اسلامی: بازدید نظامی سرلشکر «محمدناصر العاطفی» وزیر دفاع یمن از مناطق تحت کنترل نیروهای ارتش و مقاومت در مرز با عربستان واقعیت‌های جدیدی را در عرصه مقابله نفس‌گیر با اشغالگران و نیروهای متجاوز ائتلاف سعودی به نمایش گذاشته است. این پدیده به خودی خود یک قدرت‌نمایی مقاومت یمن است. ارتش یمن ۲۰ مقر نیروهای متجاوز سعودی را با انجام عملیاتی برق‌آسا در نجران واقع در جنوب عربستان در اختیار و کنترل خود درآورده است. وزیر دفاع یمن تاکید می‌کند که نیروهای مقاومت و ارتش در فاصله بسیار اندکی از شهر نجران و فرودگاه این شهر قرار دارند و توانسته‌اند ضرب شست بزرگی را به نیروهای متجاوز نشان دهند.

عربستان به شیوه‌های حقیرانه‌ای متوسل شد که به وضوح در ماندگی ماشین جنگی سعودی را به تصویر می‌کشد. نمایش قطعات موشکی پرتاب شده از سوی نیروهای مقاومت به عمق خاک عربستان در فرودگاه محل ورود سران کشورهای عربی و اسلامی با عجز و لابه سعودی‌ها تکمیل شد که برای جلب ترحم سایر کشورها تلاش می‌کردند تا خود را به دروغ، مظلوم جلوه دهند و ادعا کنند که بدون ارتکاب هیچ‌گونه جرمی مورد حمله موشکی قرار گرفته‌اند ولی سکوت معنی‌دار سران کشورهای اسلامی و عربی و عدم همراهی با مواضع انحرافی سلمان و فرزندش در طول اجلاس و در بیانیه‌های پایانی به وضوح نشان داد که سعودی‌ها حتی در خاک خود و در اجلاسی که خودشان تشکیل داده بودند، کاملاً منزوی هستند.

صرف‌نظر از این مسائل، با استفاده ارتش یمن و نیروهای مقاومت از پهپادها و تجهیزات موشکی برای حمله به عمق خاک عربستان و امارات به‌ویژه پس از حملات موفق آنها به تاسیسات نفتی عربستان، موازنه قوا به زیان ائتلاف سعودی در حال شکل گرفتن است. سلمان و فرزندش امیدوار بودند با انجام ضدحمله‌های وحشیانه در نقاط مرزی، بر شکست و ناکامی خود سرپوش بگذارند ولی آن حملات هم به ناکامیهای تازه‌ای منجر شد و از هم‌اکنون نشانه‌های پیروزی نهائی مردم یمن در این جنگ آشکار است.

تساهل‌گرایان فرهنگی اولین قربانیان خود

جوان: شاید کسی باور نمی‌کرد در جمهوری اسلامی ایران وزیر پیشنهادی ارشاد اسلامی هنگام اخذ رأی اعتماد از مجلس پنجم با صراحت بگوید: «بنده معتقد به تساهل و تسامح هستم» و از قضا رأی اعتماد هم بگیرد. روزی که

سیدعطاءالله مهاجرانی این اصل مسلم و پذیرفته شده لیبرالیسم را طرح نمود عده‌ای بر این باور بودند که او درصدد نوعی توسعه فرهنگی است که شعاع آن مخالفان نظام، نویسندگان هرزه، رسانه‌های زرد و هنرمندان بی‌قید را شامل شود، اما دیری نپایید که معلوم شد او نیم‌نگاهی هم به خود دارد و علنی شدن تعدد زوج‌های ایشان و روش‌های حصول به آنان مهاجرانی را مجبور به ترک کشور کرد.

در ایران امروز روشنفکران و مردان طرفدار فمینیسم، متعه را بردگی جنسی و چند همسری را ننگ می‌دانند و همیشه در مذمت آن سخن گفته‌اند و اصولاً به همین دلیل شرمنده مسلمان بودن خویش هستند. آرزو می‌کنند کاش اسلام فقط تک همسری را تجویز می‌کرد، اما دقت در کیس‌های منحرف جنسی - اخلاقی معروف، نشان می‌دهد این جماعت همان‌هایی هستند که مخالفان احکام و حدود جنسی در اسلام هستند. آنان قیود و حدود را کنار می‌زنند و همانند غرب قبح ذاتی را به «اصل رضایت» می‌فروشند و وارد کارزار مخفی و دودوزگی جنسی می‌شوند و حتی خطبه عقد را امری زائد می‌دانند (رجوع شود به سخنان هاشم آغاچری در خانه معلم همدان ۱۳۸۱). این جماعت همان کسانی هستند که پرچمدار دفاع از مطالبات زنان و مساوات و برابری هستند، اما خود کمین‌گاه زنان و محور سوءاستفاده جنسی از آنان هستند.

روانشناسی به چرایی رفتار می‌پردازد و علم حقوق به چگونگی آن، اما «روانشناسی سیاسی» به دنبال آن است که چگونه خصلت‌های فردی در پیوند بین قدرت و ثروت ظهور و بروز می‌یابند و اختیارات، توانمندی‌ها و تمکن چه تأثیر وضعی بر شخصیت‌های سیاسی دارد؟ داستان جناب نجفی را باید همین جا جست‌وجو کرد. او وقتی مدعی می‌شود که «باید تهران را به شهری امن برای زنان تبدیل کرد»، اما امن بودن را به مثابه آرامش در شکارگاه می‌خواهد. پیوند قدرت و ثروت بالاترین جذابیت را برای جذب زنان سطحی‌گرا دارد که با کوچک‌ترین منت و حل مشکل، خود را رها می‌نمایند و جذابیت ثروت طرف مقابل، گرفتارشان می‌کند، اما افق و آینده را به درستی درک نمی‌کنند.

سخت معتمد مخالفان و حتی منتقدان جدی نظام جمهوری اسلامی عموماً خود یا خانواده یا فرزندان و نزدیکان گرفتار مشکلات فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی هستند. کمتر انسان مؤمن به حدود الهی را می‌توان یافت که در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کند. ۱۰ سال پیش یک شخصیت انتظامی - امنیتی تحقیقی را روی ۵۰۰ نفر از مخالفان ولایت فقیه انجام داده و به این جمع‌بندی رسیده بود که بی‌قیدی اخلاقی، بی‌حجابی و مسائل مالی خود یا اعضای خانواده آنان را گرفتار کرده است و نتیجه گرفته بود که بین لابی‌گری فرهنگی - اعتقادی و مخالفت با نظام جمهوری اسلامی رابطه مستقیم وجود دارد. حدود دو دهه پیش یک مسئول تراز اول دولتی با هفت، هشت شاکی زن به دادگاه رفت، توبه‌نامه نوشت و با کمک دستگاه قضا رهایی یافت. او امروز چنان طرفدار آزادی و زنان است و توثیقات‌های مطالبه‌گرانه می‌زند که گویی یک مصلح اجتماعی تمام عیار است، اما حقیقت این است که تساهل‌گرایان فرهنگی اعتقادی به مرزبندی ندارند، ناراحتی آنان برای شکستن قبح دین نیست که منتقد این هستند که چرا اصل رضایت رعایت نشده است.

نسخه اداره کشور بدون نفت

خراسان: با تشدید فشارهای تحریم آمریکا، تدوین برنامه اداره کشور بدون نفت، در ۱۰ بند توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شکل جدی تری به خود گرفت. اساس این برنامه را که با هدف خلع سلاح تحریم‌کنندگان نفت ایران تدوین شده است، دو محور اصلی پاک‌سازی بودجه از نفت و نیز تعادل بخشی به نظام ارزی با فرض بدترین و بدبینانه‌ترین حالت صادرات نفت ایران یعنی رسیدن صادرات نفت به صفر، تشکیل می‌دهد. در این برنامه، برای پاک‌سازی بودجه از

نفت، ۱۰ برنامه که در مجموع ۱۰۰ هزار میلیارد تومان منابع را در اختیار دولت قرار می دهد، با افق زمانی یک تا سه سال در نظر گرفته شده است. همچنین پیش بینی شده که اجرای شش برنامه برای افزایش منابع و کاهش مصارف ارزی، قریب به ۴۰ میلیارد دلار آورده ارزی برای کشور به همراه داشته باشد که از ۳۰ میلیارد دلار جمع صادرات نفت و گاز کشور، بیشتر است. برنامه های ۱۰ گانه رفع کسری بودجه با امکان درآمد زایی تقریبی هر یک به میزان ۱۰ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است. پژوهش های مجلس برای باقی مانده ۳۰ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان، که حصول درآمد غیر نفتی از آن ها قطعی است، انتشار اوراق مالی اسلامی قابل تسویه در سال های بعد (نهایت تا سال ۱۴۰۰) را با عنوان «اوراق پاک سازی اقتصاد از نفت» پیش بینی کرده است. این مرکز در تبیین این قسمت از طرح، آن را تجربه بهبود داده شده اوراق منتشر شده دولت دکتر مصدق برای نجات اقتصاد ملی در روزگار تحریم فروش نفت انگلستان در سال ۱۳۳۰ دانسته است بخش دیگری از برنامه نفت زدایی از بودجه، به دو قسمت مدیریت منابع ارزی و افزایش آن و کاهش مصارف ارزی تقسیم بندی می شود که می تواند تا ۴۰ میلیارد دلار منابع در اختیار ارزی دولت را افزایش دهد. رقمی که بنا بر اذعان این گزارش، از درآمد ناشی از صادرات نفت و گاز (به میزان ۳۰ میلیارد دلار)، ۱۰ میلیارد دلار بیشتر است.

فتوشاپ های ترسناک

صبح نو: ژنرال غلامرضا ازهاری، سکاندار آخرین دولت نظامی در رژیم شاه، ۴۰ سال پیش در آذر ۵۷، وقتی در جمع نمایندگان «سنا» بهمن انقلابی مردم ایران را واقعی ندانست و به مشتی نوار کاست حواله داد، خبر نداشت عاقبت همین نوارها دودمان سلطنت را درهم خواهند پیچید. حالا علم پیشرفت کرده و رقیب، توانایی ملت ایران را نه به نوار کاست، بلکه به فتوشاپ نسبت می دهد. برایان هوک، مسوول گروه اقدام علیه ایران در وزارت خارجه آمریکا، اخیرا در اظهاراتی مضحک، توانایی کشورمان در حوزه دفاعی را کار دست فتوشاپ دانست. این گفته آنقدر ناچیز و بی چیز می نمود که وزیر خارجه کشورمان را صرفا به خرج یک عبارت کوتاه واداشت: «خواهیم دید». یادآوری چند نکته می تواند پوچی ادعای هوک را اثبات کند. اگر آنطور که هوک می گوید موشک های ایران تماما محصول فتوشاپ هستند؛ چرا کشورش پس از خروج از برجام، با همراهی اروپا روند خرده گیری از برنامه موشکی کشورمان را تشدید کرد؟ چرا همین الان ناوگروه آبراهام لینکلن در خلیج فارس لنگر انداخته و خیال ترک منطقه را ندارد؟ چرا بیش از ۱۲۰ هزار نیروی سنتکام برای مقابله با ایران در منطقه حضور دارند؟ اگر هوک فراموش کرده یا اصلا خبر ندارد، ما به او می گوئیم همین موشک های فتوشاپی دو سال پیش و در حملات موشکی سپاه به مواضع داعش در دیرالزور، بیش از ۵۰ تروریست داعشی را به هلاکت رساند؛ داعشی که بنا بر اظهارات ترامپ، دولت آمریکا بنیان گذار آن بوده است. نمونه های دیگری هم هست؛ اما تا همین اندازه کفایت ترهه بافی های این مقام آمریکایی را می کند. باشد برای ثبت در تاریخ.

اعتراف، مفقوده سنت اصلاحات!

وطن امروز: پرونده ناخوش عاقبت «محمدعلی نجفی» که در نهایت منجر به قتل همسر دوم وی شد فراتر از یک اتفاق ناگوار در حوزه شخصی نماد و نمودی از «فرهنگ سیاسی» اصلاح طلبان در مواجهه با اشتباهات رخ داده است. به ۱۵ ماه پیش و زمانی که نجفی پس از انتخاب پرسروصدایش به عنوان شهردار تهران به یکباره از سمت خود استعفا کرد بازگردیم، انتخابی که با توجه به افشاگری های اخیر غلامحسین کرباسچی نتیجه یک فشار همه جانبه از سوی احزاب

اصلاح طلب به رئیس‌جمهور برای بی‌اعتنایی به هشدارهای دستگاه‌های ناظر و تایید حکم وی بود در چارچوب دگری‌سازی‌های رسانه‌های اصلاح طلب تبدیل به نشانه‌ای از تلاش پشت‌پرده رقبای این جریان برای دهن‌کجی به رأی مردم در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تفسیر شد و حتی شورا بعد از درخواست و تاکید شخص نجفی باز هم از پذیرش استعفای وی در بار اول امتناع کرد و آن را خیانت به جناح سیاسی خود دانست. با این همه و به‌رغم تمام هزینه‌هایی که شهرداری کوتاه‌مدت نجفی بر پایتخت تحمیل کرد و هزینه‌هایی که از قبل محیط ایجاد شده پیرامون استعفایش به‌وجود آمد، او به کار خود پایان داد و در مدت زمانی کوتاه علت اصلی این استعفا افشا شد. گذشت یک سال اما عاقبت این پیوند را به یک جدایی خونین کشانید که دیگر تبعاتی در حد حوزه شخصی زندگی یک سیاستمدار نداشت. در چنین شرایطی اما آنچه بیش از همه بيمش می‌رفت باز هم تکرار شد و جریان سیاسی همسوی وی به‌جای آنکه به اعترافات شخصی نجفی نیز اعتنایی کند این حادثه را در قالب توطئه‌ای «دگری‌ساز» و منسوب به رقبای جناحی خود دانستند و حتی به مدح قهرمانانه نجفی به عنوان یک قربانی مظلوم برخاستند

فرهنگ سیاسی یک گروه زمانی که درباره مورد اجماع‌ترین حالت جنایت یعنی «قتل» حاضر به اعتراف به اشتباه یا حداقل به رسمیت شناختن آن نیست، در سایر اتفاقاتی که محل بحث قرار می‌گیرد نیز «مسئولیت» تصمیم خود را به عهده نمی‌گیرد. قبول نکردن سلامت بی‌پس و پیش تمام انتخابات‌هایی که در آن شکست خورده‌اند، تشریفاتی تعریف کردن ارکانی از قدرت که در آن به کرسی‌ها تکیه زده‌اند، حاصل توطئه دانستن تمام اشتباهات فردی اعضای خود و... همگی شاهد مثال‌هایی از این مهم است که در چارچوب سنت سیاسی اصلاحات همواره یک «دگری» فرضی وجود داشته است که یا مانع به قدرت رسیدن آنها شده یا در زمان تصدی‌شان بر امور مانع موفقیت‌شان شده و هرگاه نیز به خبط و خطایی دچار شده‌اند، نباید رد پای از آنان یافت. تاکید متعدد شخصیت‌های شناخته‌شده و صاحب‌نام اصلاحات به نفوذی بودن همسر فقید نجفی و زدن برچسب‌های رسواکننده به وی بدون ارائه حتی نیم خط سند و یک جمله دلیل، همه نشانه‌هایی از این «دگری‌سازی» در جریانات اخیر است. با این همه اما افشاگری اخیر غلامحسین کرباسچی هرچند در چارچوب یک رفتار حزبی تعریف می‌شود اما می‌تواند به‌عنوان آزمونی مهم برای اصلاح یک سنت سیاسی باشد، «عبور از دگری‌سازی» و «پذیرش مسئولیت انتخاب» شاید تنها دستاورد مهمی باشد که بتوان انتظارش را از حادثه تلخ و خونبار قتل همسر دوم محمدعلی نجفی داشت و این روزها باید به امید تحقق آن چشم به «اعتراف سیاسی» یک جریان به جهت انتخاب‌شان دوخت.

تحریریم، تنها دیپلماسی پوشالی ترامپ!



قانونی دور زنی نیست!

